

درد در سکه انکرده بر توین جزی بکار آور و تباہ قلم بر این
 و تحصیل علم کن که خدا بیچاره در فضل بر هیچکس بسته است که حکم
 من طلب نیتا وجد وجد در کساده شود بعد از آن جزی تمام
 کار آمد و شب و روز بکلیت نیا سوری تا چهل سال بدین طریق تحصیل
 کرد بر آن سجانه و عا کمال کوم در علوم بروی بکشود و مقام
 و فتوی رسید بر حق تعالی بزرگ علم او را بکصد بیست و دو
 چنانچه سال مفتی بود در مذهب شافعی و در زمان او علم آرشامه
 بسیار بودند و صیت امام قفالی منتشر شد **پس از آنکه**
 محمود غزنوی پادشاه بود و او پادشاهی عادل دین پرور بود در این
 غزا کردی و بت کلهها را خراب کردی اما هنوز تقلید امام بکره
 بود و سلطان محمود سه مسکه در خاطر داشت و مسکت
 و مذهب شافعی **و مذهب شافعی** و آن سه مسکه بر من روشن گرداند من تقلید مذهب
 و آن مسکت را هیچکس نمیکت **اول** آنکه مادر او سرب بود **مجموعه**
 که پسرین بودند که او پسر سبکترین است **دوم** و **سوم** آنکه
 که از اهل بهشت است **سیوم** آنکه من خواسته است که بداند که این

صحیح است

صحیح است که علمای کرام و کرامه انبیا اند بر سببی در بالایی خود
 و روزه از مدرسه بخانه سلطان محمود بود بر نظری بیا کرد
 دید که طالب علمی فقیر نشسته بود و بتاریکی تکرار میکرد کلاه
 کاهی فرو میماند بر سلطان محمود آن شمع که در دست داشت بود
 تا بر پیش آن طالب علم بردند و با انعامی چند جهمه خرج او فرستاد
پس شب خواب رفت جمال جهان آرای حفره رساله **پس**
صلوات در خواب دید گفت ای پسر سبکترین بهشت تری
 با آنکه حرقه میراث گیر من کردی بر این هر سه مسکه بروی تو
پس در آن هر طالب علمی که در آن محله بود طلب کرد و معاش
 و لباس و مکان ایشان هر مرتب ساخت **بعده** **تفحص**
 در آن مملکت هم خنقی مذهب بودند و خاطر وی میل بذهب شافعی
 داشت **پس** کسب نمود خراسان فرستاد و امام قفال طیلید چون
 حاضر شد جمعی از علمای حقیقت بنظر حاضر شدند و مسایل بسیار
 آوردند **پس** وقت غایب شدن در رسید هر قومی بلدی خود در خصوص
 و بنام مشغول شدند **پس سلطان** احتیاط و ضوی و نماز هر